

## پرانتر بسته

### بیچاره زن ایرانی!

مَدّت هاست که به دنبال بهانه‌ای می‌گردم تا در جایی به آنچه بر سر فیلم بی‌بی چلچله‌ی کیومرث پوراحمد آمد اشاره‌ای بکنم. حال که یادداشت اول به پوراحمد اختصاص یافت، این بهانه‌ای مناسب است.

فیلم بی‌بی چلچله در سال ۱۳۶۵ ساخته شد، این فیلم نیز به شرح زندگی پسر بچه‌ای می‌پردازد. پوراحمد در این فیلم از بازیگران حرفه‌ای سینما استفاده کرده است. داود رشیدی یکی از بهترین بازی‌های خود را در این فیلم کرده است.

داستان از این قرار است: پسر بچه‌ای در خانواده‌ای فقیر زندگی می‌کند، او پدری دارد که در حادثه‌ای فلج شده است، پدر بیکار است، یا سیگار می‌کشد، یا به سر زن فریاد می‌کشد و در

زد و خورد و خشونت را بر صفحه تلویزیون نشان می‌دهد، با شکافتن سرو صورت شعبون استخوانی و سرازیر شدن خون، دوربین کات می‌کند. تصویر بعد، کپسه‌های آرد را نشان می‌دهد و قطرات خونی که بر آنها می‌چکد. شوهر خواهر از کتک زدن مجید فارغ شده! و فاتحانه نانویی را ترک می‌کند! هنوز دیالوگ‌های سریال هزارستان را می‌شنویم:

تاکی شکار کبک و آهوه، عزم شکار ناب کن... ای کاش همه فیلم‌سازی که امید به گیشه فروش بلیت فیلم‌شان را به صحنه‌های زد و خوردها پیوند داده‌اند، ذره‌ای می‌فهمیدند که در سینما راه‌های دیگری نیز وجود دارد. □

آخر بچه را کتک می‌زند. پسر بچه از خانه می‌گریزد تا آندوه و درد دل‌هایش را با درختی در میان بگذارد.

داوود رشیدی، راننده کامیون است که از جنگل برای کارخانه چوب حمل می‌کند، در صحنه‌های متعددی ما می‌فهمیم که او کودکی - پسر بچه‌ای - داشته است همسن و سال قهرمان فیلم که در حادثه‌ای از دست داده است، او خود باعث مرگ پسرش شده است، نادانسته با کامیون عقب عقب می‌آمده و پسرش را که به کوجه پریده، زیر گرفته است. خشونت ظاهری او که هیچ بچه‌ای حق ندارد پشت کامیون او سوار شود از همین روست. قهرمان فیلم (مجید نام دارد) و با داوود رشیدی آشنا می‌شود، دوستی پاک و بی‌شائبه آنان روزگار خوشی را برای مجید فراهم می‌آورد، و در پایان راننده کامیون که روی ریل قطار مانده است، کشته می‌شود.

این قصه اصلی است، که در نسخه‌ای سالم مانده من دیده‌ام، اما آنچه بر پرده سینما آمد بدین گونه نبوده، در نسخه به نمایش درآمده به ضرب گفتگوهای من‌درآوردی و تحمیل شده به فیلم سعی بر آن شده است که به بیننده بفهمانند که داوود رشیدی (راننده کامیون) پدر مجید است، و چون او همیشه در سفر است، زنش از او طلاق گرفته است و شوهر دیگری کرده است، این ناپدیری است که مجید را کتک می‌زند. خوب این هم ترفندی است: اگر فرار است فیلم به نمایش عمومی گذاشته شود باید روی تماشاگر حساب کرد! چون این تماشاگر احتمالاً از دوستی یک راننده کامیون با پسر بچه‌ای، به انحراف اخلاقی کشیده می‌شود!

آنچه دردناک است، توهین به «زن» در این نسخه‌ی تر و تمیز و اصلاح شده!! است! واقعاً که زنان چه موجوداتی هستند، زن، شوهر می‌خواهد، شوهری که شب به خانه رود، و حالا که مرد راننده کامیون است معنی‌اش این می‌شود که ماه به ماه در سفر است. پس زن باید طلاق بگیرد و شوهر تازه‌ای اختیار بکند، آن هم چه شوهری! در یکی دو گفتگو با پوراحمد، او از کنار این موضوع به سادگی گذشته است. حتی به صمیمی‌ترین دوستانش هم نمی‌خواهد بگوید که از این بابت چگونه فکر می‌کند. هر بار با او از این موضوع سخن گفته‌ام، می‌گوید: زیاد به فیلم لطمه نخورده است، فقط چند گفتگو تغییر کرده است. اما ساله به راستی قابل تأمل و تفکر است. این ذهن‌های علیل برای کارها چه ترفندهایی ساده انگارانه می‌اندیشند. سینما از این بابت همیشه لطمات جبران ناپذیری خورده است. □

## کنگره

همراه با اولین کنگره بین المللی

فیلمسازان مسلمان در جشنواره فیلم فجر

● سخنرانی‌های انجام شده در

این کنگره:

- ۱- سینما، ارتباط: از تبادل تا تهاجم / داریوش مؤدیان / ایران - ۲- تفکر دینی و فیلمسازی / مجید محمدی / ایران - ۳- تولید فیلم‌های سینمایی مشترک و ایجاد بازار سینمایی مشترک در کشورهای اسلامی / رسمی محاسنه / اردن - ۴- فرهنگ کشورهای اسلامی و سینما / ایازسالیف / آذربایجان - ۵- سینما، داینامور منقرض نشده / محمدمهدی دادگو / ایران - ۶- هویت‌زدایی و تحقیر فرهنگی / جلال رفیع / ایران - ۷- سینمای ملی قرقیزستان / کریم عذرعلی‌یف / قرقیزستان - ۸- سینمای ملی قزاقستان / نوگوربیک اوف / قزاقستان - ۹- تولید مشترک فیلمسازی / غلامرضا موسوی / ایران - ۱۰- سینمای ملی تاجیکستان / جمشید رحمت اوف / تاجیکستان - ۱۱- فیلم ما / قاضی حیات / بنگلادش - ۱۲- مختصات کنونی صنعت سینمای ایران / مهدی فخییم‌زاده / ایران - ۱۳- سلطه فرهنگی امریکا: جدال‌های فیلمسازان مسلمان در زمان حال و آینده / آرس جاروت / اندونزی - ۱۴- سینمای ملی و هویت‌یابی تاریخی / محمدحسن خوشنویس / ایران - ۱۵- نقش سینما در تبادلات فرهنگی / احمد مجتبی جمال / بنگلادش - ۱۶- تجربیات ما در نوشته‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی / خسرو دهقان / ایران - ۱۷- تکنولوژی و بحران اخلاقی در سینمای معاصر جهان / مهدی ارجمند / ایران - ۱۸- سینمای اسلامی: آنتی تری برای سینمای غرب هالیوود / منصورین بوته / مالزی

# فیلمسازان مسلمان: سدی در مقابل سلطه آمریکا

تنظیم از: نسرین سعادت پور

فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت برنامه‌ای جدی برای تأمین سینمای ملی طراحی شد. طراحی صنعتی - اقتصادی کلان مرحله اول آن بود.

و طراحی دیدن فرهنگ مستقل ملی و ارتقاء و کیفیت و محتوی مرحله دوم آن. مرحله اول تشکیل اندام بود و مرحله دوم دیدن روح و واجد شخصیت شدن این سینما.

«دو نکته دیگری نیز دارم که باید حتماً متذکر شوم: نخست، وضعیت کنونی جهان از نقطه نظر ارتباطات و ماهواره‌های تلویزیونی است. و دوم، ضرورت به تشکیل سازمانی متمرکز و مقتدر برای تبادل امکانات مضامین، نیروی انسانی، سرمایه در تولید و نمایش فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی.»

«فقط این نکته را در این فصل بگویم که اگر چاره‌اندیشی نکنیم به‌زودی - و این زود بیاد داشته باشید که فرارسیده است - به زودی، حتی اگر شش فرزندمان هنرمند فرهنگستان باشید مخاطبان‌تان را از دست خواهید داد. و با زبان و گرامری که آنان عادت کرده‌اند باید فیلم بسازید و یا غریبانه در وطن خود غریب شوید. که این هر دو معنای دردناکی دارد.»

● از «سینما، دایناسور منقرض شده»

محمد مهدی دادگو



## ● اشاره:

نخستین کنفرانس بین‌المللی فیلمسازان مسلمان روز جمعه پانزدهم بهمن ماه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران سینمای ایران و گروهی از مهمانان خارجی کار خود را آغاز کرد.

در این جلسه آقایان آقاچانی مدیرعامل خانه سینما - آقای دکتر لاریجانی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی و آقای فریدزاده دبیرکنگره سخنانی ایراد کردند.

آقای لاریجانی در قسمتی از سخنان خود اظهار داشت:

«ما اکنون باید به دنبال این باشیم که زمینه و بستر دریافت حقایق الهی را مهیا کنیم. در این مسیر دو قدم اساسی باید برداشته شود. نخستین قدم: تهذیب نفس است. تا هنرمند از درون متحول نشود امکان عرضه صحیح حقایق الهی را نمی‌یابد.»

قدم دوم: توجه جدی به سنت‌های گذشته است. ما در کشورهای اسلامی، سنت‌های فرهنگی غنی داریم که از تفکر اصیل اسلامی نشأت گرفته‌اند. اگر ما این سنت‌ها و بزرگان علمی و فرهنگی خود را نشناسیم نمی‌توانیم دورنمایی برای تلفیق تفکر دینی و هنر بخصوص هنر سینما که موضوع بحث ماست داشته باشیم. هنرمند ما باید این ذخایر فرهنگی و دین را بشناسد و از آنها در زمینه‌های مختلف بهره بگیرد.

با این دو اقدام اساسی می‌توان امیدوار بود

که در صنعت و هنر سینما تحول جدی رخ دهد. قدم دوم آسانتر است و قدم اول بسی مشکل، اما دست نیافتنی نیست.»

قابل ذکر است که پیش از شصت مهمان خارجی از آذربایجان، بنگلادش، اردن، بوسنی و هرزگوین، اندونزی، قزاقستان، قرقیزستان، لبنان، مالزی، فلسطین، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، سودان، سوریه و ازبکستان در این کنگره حضور داشتند. این کنگره تا روز ۲۰ بهمن ماه ۱۳۷۲ در خانه سینما برقرار بود.

## ● فزاینده‌ای چند از سخنرانی

«از سالها قبل، حدود ۶۲ سال پیش تولید فیلم در ایران وقوع یافت. طی نیم قرن، سینمای ایران جز معدودی موارد، مقلد سینمای غرب و هند بود. این تقلید در مضامین بود و گرنه در اندازه‌های فنی، سینمایی فقیر و به شدت ناقص بود. از حدود ۱۲۰۰ عنوان فیلم سینمایی شاید بیش از ۵۰ عنوان قابل ذکر نداریم. پس باید سینمای ملی چه در معنای صنعتی و اقتصادی و چه در معنای هویت مستقل فرهنگی تأسیس می‌شد.»

ده سال پیش این مختصات در هدف سیاست‌گزاران کلان تأسیس سینمای نوین ایران قرار گرفت.

برنامه‌ریزی کلان سینمای ایران در وزارت